

## مقدمه

از آنجا که ترجمه برگردان متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن و ترجمه قرآن فشرده تفسیر به حساب می آید باید منعکس کننده مفهوم و محتوای زبان مبدا باشد لذا در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند، مقالات فراوانی به نقد ترجمه های موجود یا کهن پرداخته‌اند که برای مترجمان بسیار سودمند است و آنان را هر چه بیشتر از لغزش‌ها دور نگاه خواهد داشت. در این پژوهش به بررسی ترجمه های موجود از آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ» پرداخته شده است و چهار مفهوم کلی از آنها به دست می آید که به نقد و بررسی آنها پرداخته خواهد شد در راستای تحقق هدف مذکور ترجمه‌ها، تفاسیر و اختلاف قرائت این آیه بررسی می شود و از آنجا که گروه سوم ترجمه با دلایل کلامی مربوط به عصمت انبیاء معارض است و با دلایل قرائی، نیز همخوانی ندارد کنار گذاشته می شود این نوشتار در راستای نقد ترجمه آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف به بررسی علت ترجمه به صورت مذکور نیز پرداخته است.

## تحقیق در ترجمه آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف

آیه: حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ. (یوسف، ۱۱۰).

از آیاتی که به صورت‌های گوناگون ترجمه شده است، آیه فوق می باشد اینک چند نمونه از ترجمه‌های آن آورده می شود:

- چون پیامبران نومید شدند و چنان دانستند که آنها را تکذیب می‌کنند، یاریشان کردیم و هر که را که خواستیم نجات دادیم و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانیده نشود. (آیتی، ۲۴۸).

## نقدی بر ترجمه های فارسی آیه « وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا »

محمد رضا ستوده نیا<sup>۱</sup>  
فاطمه طائبی اصفهانی<sup>۲</sup>

## چکیده

قرآن برای هدایت همه نسلها است چنانچه خدای متعال می فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا» (الفرقان، ۱) در این کلام الهی که برای هدایت ابدی بشر است، هر واژه یا کلمه بر اساس حکمتی صورت گرفته است لیکن با بررسی ترجمه های موجود از قرآن به نظر می رسد برخی از آنها ما را به غایت و هدفمان که بهره بردن از کلام وحی است نمی‌رسانند. در این مقاله نگارنده با شیوه تحلیلی تطبیقی به بررسی ترجمه های آیه آخر سوره یوسف پرداخته است و با ارائه دیدگاههای کلامی، قرائی و روایی ضعف و لغزش برخی از ترجمه‌ها را در عبارت ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا به دست آورده است؛ در واقع مترجمین و مفسرینی که چنین ترجمه ای را ارائه داده‌اند در توجیه ترجمه خود روایاتی را آورده‌اند که آن احادیث از نظر سند و متن مورد مناقشه قرار گرفته است؛ همچنین با بررسی اختلاف قرائات و دلایل و حجج قرائی به این نتیجه رسیده که این ترجمه هیچ توجیه قرائی ندارد و در نهایت این ترجمه کنار گذاشته می شود و در نهایت دلیل و علت این برداشت در نظرات مفسرین بدست می آید.

کلید واژه‌ها: اختلاف قرائت، ترجمه قرآن، سوره یوسف، عصمت

- تا آنجا که پیامبران از آنها مأیوس شدند و گمان بردند که به آنها دروغ گفته شده است. در آن حال یاری ما فرا رسید و هر کسانی را خواستیم نجات یافتند و عذاب ما از مردم گنهکار بازگردانده نمی‌شود. (ارفع، ۲۴۸).

- (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم بازگردانده نخواهد شد. (الهی قمشه‌ای، ۲۴۸).

- [پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی‌شود. (انصاریان، ۲۴۸)

- آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا اینکه رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و گمان می‌کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده و در چنین مواقعی ما ایشان را یاری نموده هر که را می‌خواستیم نجات می‌دادیم و قهر و انتقام ما از تبه کاران دور نمی‌شد. (بروجردی، ۴۲۵).

- [کافران چندان به انکار پیامبران اصرار می‌ورزیدند که] آنها از ارشاد نومید شده و از این فکر که از سوی مردم خود تکذیب شده بودند رنج می‌بردند، در چنین وضع و حالی نصرت ما فرا می‌رسید و انسانهای شایسته‌ی لطف خود را نجات خیر عنایت می‌فرمودیم و البته عذاب ما از گناهکاران هرگز دفع‌شدنی نبوده و نخواهد بود. (صفارزاده، ۵۶۳).

- تا هنگامی که پیامبران به نومیدی نزدیک گشتند و (کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است یاری ما به ایشان در رسید و آن کس که

می‌خواستیم نجات یافت، و کيفر دردناک ما از گروه تبهکاران باز داشته نمی‌شود. (فارسی، ۴۹۷).

### مروری بر ترجمه‌های چهارگانه

با توجه به نمونه‌های بالا و ترجمه‌های دیگری که به آدرس آنها اکتفا می‌شود؛ مشخص شد که عبارت ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا به صورت‌های ذیل ترجمه شده است:  
ترجمه اول: تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم که ترجمه‌های همسو با آن به شرح ذیل است:

آیتی، ۲۴۸؛ اسفراینی، ۱۱۲۹/۳؛ اشرفی تبریزی، ۲۴۸؛ امین، ۴۳۶/۶؛ پاینده، ۲۰۴؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۲۴۸؛ شعرانی، ۲۲۹؛ صادق نویری، ۲۱۵/۱؛ صفارزاده، ۵۶۳؛ صفی‌علیشاه، ۳۷۵؛ کاویانپور، ۲۴۸؛ مصباح‌زاده، ۲۴۸.

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُٰلُ يَعْنِيٰ اَنْبِيَاءَ دَعْوَتِ مِي كُنْتَد تَا زَمَانِي كَه مَأْيُوس شُونْد اَز اِيْمَان قَوْمِ پَس اَز يَأْس اَنهَآ رَا رَهَا مِي كِنْتَد وَظَنُّوْا وَ يَقِيْن پيدا كَرْدَنْد كه ظَنْ در اِيْنجا به معنِي يقين است به قرينه لفظ بَأْس؛ اَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا كه قوم اَنهَآ رَا تَكْذِيْب كَرْدَنْد وَ فرمايشات اَنهَآ رَا دروغ پندااشتند وَ تصديق نكردند. (طيب، ۷/۲۹۵).

تفاسيرهمسو با مورد اول به شرح ذيل است: اندلسی، ۳۳۶/۶؛ مترجمان، ۱۲/۳۱۴-۳۱۵؛ ابی زرعہ عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، ۳۶۶-۳۶۷؛ نجفی خمینی، ۸/۲۱۹-۲۲۰؛ قرشی، ۱۸۸/۵؛ خسروانی، ۴/۴۴۳؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۰/۹۸.

**ترجمه دوم: گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته‌اند که ترجمه‌های همسو با آن به شرح ذیل است:**

ارفع، ۲۴۸؛ انصاری، ۲۴۸؛ انصاریان، ۲۴۸؛ برزی، ۲۴۸؛ بهرام پور، ۲۴۸؛ خواجوی، ۹۴؛ دهلوی، ۵۳۱؛ سراج، ۲۴۸؛ طاهری قزوینی، ۲۴۸؛ فولادوند، ۲۴۸؛ قرشی، ۵/۱۸۲؛

\* تا چون نومید شد پیغامبران و گمان بردند که ایشان هراینه دروغ گفته شد، آمد ایشان را یاری ما. (۲۰۹).

پیامبران بشر بودند و در سخت‌ترین حالات قرار می‌گرفتند و گویا تمام درها به روی آنها بسته می‌شد و هیچ راه گشایشی به نظر نمی‌رسید، و فریاد مؤمنانی که کاسه صبرشان لبریز شده بود مرتباً در گوش آنها نواخته می‌شد، در این حالت در یک لحظه ناپایدار به مقتضای طبع بشری این فکر، بی‌اختیار به مغز آنها می‌افتاد که نکند وعده پیروزی خلاف شود! و یا اینکه ممکن است وعده پیروزی مشروط به شرائطی باشد که حاصل نشده باشد، اما به زودی بر این فکر پیروز می‌شدند و آن را از صفحه خاطر دور می‌کردند و برق امید در دل آنها می‌درخشید. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۰ / ۹۹). ابن مسعود، ابن عباس و ابن جبیر ضمائر را به رسل برگردانده‌اند ولی عایشه این قرائت را با توجه به عظمت انبیاء رد نموده است. (اندلسی، ۶ / ۳۳۶)

### ترجمه چهارم: گمان کافران بر اینکه که به پیامبران دروغ گفته شده است:

(کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است. (فارسی، ۴۹۷).

کفار قوم گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته‌اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است. (طیب، ۷ / ۲۹۴). مشرکان گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته‌اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است. (اندلسی، ۶ / ۳۳۶)

### توجیه ترجمه‌های چهارگانه:

#### توجیه ترجمه دسته اول:

قرائت «کذبوا» به تشدید و مجهول یعنی شرایط به حدی رسید که پیغمبران از

مترجمان، ۳ / ۷۵۸؛ مجتبوی، ۲۴۸؛ مشکینی، ۲۴۸؛ معزی، ۲۴۸؛ مکارم شیرازی، ۲۴۸؛ مبینی، ۵ / ۱۴۴؛ نسفی، ۱ / ۴۶۷؛ یاسری، ۲۴۸.

این نظر از گفته سعید بن جبیر و عبد الله عباس بدست می‌آید که امت پیامبران گمان بردند پیامبران در وعده نزول عذاب یا نصر و فتح به ایشان دروغ گفته‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۱ / ۱۷۱).

گفته شده: ضحاک و سعید بن جبیر در مجلسی به هم رسیدند و در آن مجلس از سعید بن جبیر پرسیدند: این آیه را چگونه قرائت میکنی؟ وی (بر طبق قرائت مشهور) «کذبوا» به تخفیف خواند و چنین معنا کرد که: مردم گمان کردند که رسولان به آنها دروغ گفته‌اند. ضحاک که این معنی و قرائت را شنید گفت: چنین چیزی تا امروز نشنیده بودم و اگر برای فهم این مطلب به یمن رهسپار می‌شدم کار عجیبی نبود. (طبرسی، ۵ / ۴۱۴-۴۱۳).

تفاسیر همسو با مورد دوم به شرح ذیل است: طوسی، ۶ / ۲۰۸؛ اندلسی، ۶ / ۳۳۶؛ مترجمان، ۱۲ / ۳۱۴-۳۱۵؛ ابی زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، ۳۶۶-۳۶۷؛ مترجمان، ۳ / ۲۵۳؛ مصطفوی، ۱۲ / ۱۲۱؛ حسینی همدانی، ۹ / ۱۴۹.

### ترجمه سوم: گمان انبیاء بر اینکه وعده خداوند خلاف خواهد شد که ترجمه های همسو با آن به شرح ذیل است:

\* (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). (الهی قمشاهی، ۲۴۸).

\* آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا اینکه رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و گمان می‌کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده. (بروجردی، ۴۲۵).

### توجیه ترجمه دسته چهارم:

«کذبوا» به تخفیف و مجهول یعنی: گمان کردند که به پیامبران دروغ گفته شده است یعنی وعده الهی به فتح و ظفر و نصرت دروغ بوده است. (اهل کوفه «کذبوا» را به تخفیف قرائت کرده‌اند. (ابن الجزری، ۳۳۳/۲؛ ابوزرع، ۳۶۶؛ طوسی، ۶/۲۰۷) و ابو جعفر «کذبوا» را به تخفیف و به صورت مجهول (بر طبق قرائت معروف) قرائت کرده‌اند، قرائت حضرت علی علیه السلام و امام زین العابدین و باقر و صادق علیهم السلام و زید بن علی و جمع دیگری نیز همین است. (طبرسی، ۵/۴۱۲-۴۱۳؛ مترجمان، ۱۲/۳۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱) در قرائت به تخفیف و مجهول اگر ظن به معنی یقین باشد و ضمائر به مرسل الیهم برگردد معنی آن چنین می‌شود: و رسولان یقین کردند که قطعاً به آنها دروغ گفته شده است یعنی قوم ایشان درباره ایمان آوردنشان به ایشان دروغ گفتند و ایمان نیاوردند لذا نصرت ما که نزول عذاب بر مکذبین قوم است، نازل شد؛ در این صورت معنای آیه منافات با عصمت نخواهد داشت. (شریف لاهیجی، ۲/۵۷۱-۵۷۲).

همان طور که ملاحظه می‌نمایید اختلاف قرائت در کلمه «کَذَّبُوا» در این آیه دو گونه است، به تخفیف و به تشدید که هر کدام مفهومی را افاده می‌کند. قرائت به تخفیف به معنای دروغ گفتن و قرائت به تشدید به معنای تکذیب نمودن است؛ اما این که چه کسی به چه کسی دروغ گفته یا چه کسی دیگری را تکذیب نموده، با توجه به اختلاف قرائت به دست نمی‌آید بلکه نیازمند توجه به مرجع ضمیر در «ظنوا» است. همان طور که ملاحظه گردید ترجمه سوم هیچگونه توجیه قرائی نداشت لذا پس از بررسی تفسیر و قرائات چنین به نظر می‌آید که ترجمه دسته سوم ناشی از وجود دلیل روایی است؛ در ذیل به بررسی و نقد این روایات پرداخته می‌شود:

### بررسی سند و متن دلیل روایی موید ترجمه دسته سوم

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرَّسُولُ وَ

ایمان قوم به اخبار الهی ناامید شدند. وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا: و یقین کردند که تکذیب شده‌اند. (ابن الجزری، ۱/۶۷)

عایشه و حسن و عطا و زهری و قتاده «کذبوا» به تشدید و به صورت مجهول، قرائت کرده‌اند. و از ابن عباس و مجاهد نقل شده که «کذبوا» را به تخفیف و به صورت معلوم قرائت کرده‌اند. (طبرسی، ۵/۴۱۲-۴۱۳؛ مترجمان، ۱۲/۳۱۲).

دلیل کسی که به تشدید خوانده است، فرموده خداوند متعال است: «فَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ» همچنین «فَكَذَّبُوا رَسُولِي» و «إِنَّمَا كَذَّبَ الرَّسُولَ» نیز موید قرائت آنها است. (ابو محمد مکی بن ابی طالب، ۲/۱۵؛ ابوزرع، ۳۶۷؛ طبرسی، ۵/۴۱۳-۴۱۴) و سیاق آیه بر قراءت به تشدید دلالت می‌کند. (ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱).

### توجیه ترجمه دسته دوم:

«کذبوا» به تخفیف و معلوم یعنی قوم گمان کردند که انبیا دروغ گویند. (ابن الجزری، ۱/۶۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۶/۳۱۵-۳۱۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۱/۱۷۱) قرائت ائمه علیهم السلام به تخفیف و معلوم است یعنی و مرسل الیهم گمان کردند حقیقتاً رسولان در آنچه ایشان را خبر داده بودند از نصرت دادن خدای تعالی، به ایشان دروغ گفته‌اند زیرا یاری خداوند شامل حال آنها نشده بود. (ابو محمد مکی بن ابی طالب، ۲/۱۵؛ شریف لاهیجی، ۲/۵۷۱-۵۷۲).

اما حجت و دلیل کسی که به تخفیف خوانده است {معلوم یا مجهول}، فرموده خداوند متعال است که «فَعَدَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ». (ابوزرع، ۳۶۶؛ طبرسی، ۵/۴۱۳-۴۱۴).

وثانی ننجی احذف وشدد وحرکا

کذا نل و خفف کذبوا ثابتا تلا

(الشاطبی، ۱/۱۰۵)

### توجیه ترجمه دسته سوم:

این ترجمه توجیه قرائی ندارد.

ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا»، مخففه، قال: «ظنت الرسل ان الشياطين تمثل لهم على صورة الملائكة؛ ابو بصير از ابا عبد الله عليه السلام نقل می‌کند که درباره آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا»، اگر به صورت تخفیف خوانده شود چه معنایی دارد، فرمود یعنی انبیا گمان بردند شیاطین به صورت ملائکه بر آنها پدیدار شده اند». (قمی، ۳۵۸ / ۱؛ بحرانی، ۲ / ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۸ / ۲۶۱؛ قمی مشهدی، ۶ / ۴۰۰؛ موسوی دارابی، ۲ / ۱۱۴؛ شریف لاهیجی، ۲ / ۵۶۹)

اگر «کذِّبُوا» به صورت معلوم باشد و ضمایر به رسولان ارجاع داده شود در برخی اخبار وارد شده که خداوند لحظه‌ای به مقدار یک چشم بر هم زدن یا کمتر، آنها را به خودشان واگذار کرد تا این که آنها گمان کردند که در وعده یاری و وارد آمدن عذاب بر تکذیب کنندگان به آنها دروغ گفته شده بدین نحو که گمان کردند که شیطان به صورت ملائکه وحی درآمده و اخبار یاری و عذاب را بر آنها به دروغ گفته است. (بحرانی، ۳ / ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۸ / ۲۶۱؛ خانی و ریاضی، ۷ / ۵۹۶).

## الف) بررسی سند احادیث

### سند احادیث موید ترجمه سوم نهایتاً به شرح ذیل است:

قال علی بن ابراهیم: حدثنی ابي، عن محمد بن ابي عمير، عن ابي بصير، عن ابي عبد الله (عليه السلام)، قال: «وكلهم إلى أنفسهم، فظنوا أن الشياطين قد تمثلت لهم في صورة الملائكة» (قمی، ۳۵۸ / ۱؛ بحرانی، ۲ / ۲۷۶؛ مجلسی، ۱۸ / ۲۶۱)

عن ابن شعيب، عن ابي عبد الله (عليه السلام)، قال: «وكلهم الله إلى أنفسهم أقل من طرفه عين». (بحرانی، ۳ / ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۸ / ۲۶۱).

این دو حدیث بخصوص مورد اول دور از ذهن می باشد. (مجلسی، ۱۸ / ۲۶۱)

در کتب رجالی در ارتباط با وثاقت علی بن ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۲۶۱؛ حلی، ۱۰۰) و ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق (نجاشی، ۱۶) ابو بصیر حماد بن عبدالله (خویی،

۴۴/۲۱؛ الجواهری، ۶۸۶) سخن به میان آمده است اما محمد بن ابي عمير را غير از محمد بن ابي عمير زياد بن عيسى دانسته‌اند و گفته شده که وثاقتش ثابت نشده و مجهول می باشد. (خویی، ۱۴/۴۱۵-۳۵؛ الجواهری، ۴۸۷) همچنین درباره ابن شعيب آمده است که همه روایاتش از ابي عبد الله عليه السلام است و مجهول می باشد. (خویی، ۱/۲۳۵؛ الجواهری، ۹) حاصل آنکه آنچه در ارتباط با روایان این احادیث بدست آمد در مجموع بیانگر آن است که این دسته از احادیث قابل اعتنا نمی باشد زیرا گرچه برخی از افراد سلسله سند ثقة هستند اما در سلسله سند افراد مجهول یا روایانی که از ضعفا نقل حدیث می کنند هم وجود دارند.

لازم به ذکر است که پس از بررسی منابع مختلف نهایتاً منبع این دو حدیث در همه کتب به تفسیر عیاشی و قمی می رسد که تفسیر عیاشی تفسیری نفیس بوده که سخنان ائمه در آن گردآوری شده و همه روایات با سند آورده بوده است و تا پایان قرآن را نوشته اما این تفسیر به طور کامل به ما نرسیده است. برخی نیز از روی غفلت سندهای آن را حذف کرده و تنها به اولین راوی حدیث از امام اکتفا نموده است. (معرفت، ۲/۱۷۷) تفسیر قمی نیز از ابوالحسن علی ابن ابراهیم بن هاشم قمی از مشایخ بزرگ حدیث بوده است که فردی ثقة، ضابط، مورد اعتماد و راست عقیده است. (نجاشی، ۲۶۱) پدرش نیز ثقة، ضابط و مورد اعتماد بوده است. (معرفت، ۲/۱۸۳) اما علامه معاصر، سید موسی زنجانی، احتمال می‌دهد که راوی تفسیر معروف به تفسیر قمی، علی بن حاتم بن ابي حاتم قزوینی است که همواره از ضعفا (روایان ضعیف و غیر موثق) روایت می کند. (معرفت، ۲/۱۸۴) باری این تفسیر آمیخته ای است از تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و تفسیر ابی الجارود زیدی مذهب و روایات دیگران. لذا انتساب آن به علی ابن ابراهیم قمی ارزش سندی ندارد و به هر حال فاقد اعتبار است. (معرفت، ۲/۱۸۴).

## ب) بررسی متن احادیث

در بررسی متن این حدیث می توان به مبحث عصمت اشاره داشت زیرا متن این

حدیث با مباحث عصمت انبیاء تنافی دارد. از آنجایی که این نوشتار گنجایش مباحث مفصل کلامی را ندارد به اختصار باید گفت: یکی از مباحث کلامی که با دلایل نقلی و عقلی اثبات شده است مبحث عصمت است. به گفته خواجه طوسی: «یجب فی النبی، العصمة لیحصل الوثوق، فیحصل الغرض و لوجوب متابعته» (نصیر الدین طوسی، ۲۱۳) در ارتباط با مبحث عصمت (نک: صدوق؛ صدوق؛ حلی؛ نراقی؛ حسینی تهرانی؛ شبلی نعمانی؛ محمدی؛ لاهیجی؛ طیب) به نظر می‌رسد در رد ترجمه دسته سوم باید گفت پیغمبر انسان کاملی است که خداوند برای تکمیل و راهنمایی بشر به طریق ثواب و راه معرفت و اطاعت و احتراز از معصیت و وادار نمودن آنان به آنچه صلاح دنیا و آخرت است و بازداشتن آنان از آنچه موجب زیان هر دو عالم می‌باشد و بیدار کردن آنها از خواب غفلت و رها نمودنشان از قید هوی و هوس و شهوت و بالجمله برای برخوردار نمودن بشر از سعادت دنیا و آخرت مبعوث میگرداند. بنابراین اگر گناه یا فعل قبیح و خلاف شریعت از پیغمبر صادر شود نقض غرض لازم آید زیرا وی مجری قانون الهی است و اگر خودش به قوانین عمل نکند نمی‌تواند از سایرین جلوگیری نماید و مخالفت وی با قانون موجب جرات دیگران بر نافرمانی بلکه عذر آنها می‌شود. (طیب، ۱۵۸) پس باتوجه به اینکه در تعریف عصمت می‌توان گفت: «عصمت عبارتست از آنچه انسان را از گناه و اشتباه مصون می‌دارد» (محمدی، ۱۷۱) و باتوجه به اینکه یاس از پروردگار در شمار گناهان کبیره قرار دارد و نص قرآن به این مطلب اذعان دارد که: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷) نه تنها انبیاء که حتی مردم عادی هم از خدا نباید مایوس شوند زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». (الانعام، ۱۲۴) لذا ترجمه سوم کنار گذاشته می‌شود.

### نتیجه گیری:

از نمونه های ارائه شده و مباحث تفسیری، قرائی و روایات مطرح شده معلوم می‌گردد:

۱. ترجمه های موجود مبین چهار مفهوم برای این آیه هستند: ۱- تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم. ۲- گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته‌اند. ۳- گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد. ۴- گمان کافران مبنی بر این که به پیامبران دروغ گفته شده است.
۲. ترجمه های گروه اول، دوم و چهارم ناشی از اختلاف قرائت است.
۳. ترجمه گروه سوم نادرست است و فاقد منشا قرائی است که این اشتباه یا از غفلت مترجم در برداشت قرائی-ادبی آیه است و یا منظور مترجم، همان مقصود مترجمین گروه اول و دوم است اما کلمه مردم، قوم یا کافران را فراموش نموده‌اند.
۴. ترجمه های گروه سوم با تقدیر گرفتن کلمه مردم، قوم یا کافران قابل تصحیح می‌باشد به عنوان مثال در ترجمه الهی قمشه‌ای آمده است: \* (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مایوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). (الهی قمشه‌ای، ۲۴۸). به نظر می‌رسد با افزودن واژه [مردم] به ترجمه ایشان بتوان آن را ترمیم نمود: \* (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مایوس شده و [مردم] گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). این ترجمه، توهم عدم عصمت و تصور این که انبیا وعده خداوند را دروغ و خلاف بیندارند از بین خواهد برد.
۵. اگر چه ترجمه دسته سوم دارای دلیل روایی است اما این روایات مورد مناقشه و جرح سند و متن قرار می‌گیرد؛ سند این روایت به خاطر حضور راویان مجهول در روایت رد می‌شود و رد شدن متن این روایت به این علت است که در بردارنده

استنباط عدم عصمت انبیاء است که این مبحث(عصمت) در متون متقن کلامی اثبات شده است.

۶. نکته قابل ذکر اینکه ترجمه دسته سوم یعنی «گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلیف وعده خواهد کرد.» متأثر از ساختار متن آیه و اختلاف در مرجع ضمیر «ظنوا» می- باشد بدین معنا که ارجاع ضمیر به رسل موجب چنین برداشت نادرستی شده که ممکن است این اشتباه ناشی از غفلت مترجم در برداشت ادبی آیه باشد.
۷. لازم به ذکر است که برخی از مترجمان به اختلاف قرائت توجه نموده‌اند و به دو صورت معنای مورد نظرشان را بیان نموده، به عنوان مثال ترجمه فیض الاسلام را می توان نام برد: \*یقین و باور نمودند که کفار، ایشان را **دروغگو دانند** (یا کفار گمان کردند که پیغمبران «درباره مژده دادن به ثواب و پاداش و ترساندن از عذاب و کیفر» با ایشان **دروغ می گویند**. (فیض الاسلام، ۲ / ۴۷۷-۴۷۸).

## کتابشناسی

۱. قرآن به ترجمه‌های آیتی، ارفع، اشرفی تبریزی، الهی قمشاهی، انصاری، انصاریان، برزی، بروجردی، بهرام پور، بی تا، پورجوادی، پاینده، حلبی، خواجوی، دهلوی، صفارزاده، رضایی اصفهانی و همکاران، رهنما، سراج، شعرانی، صادق نویری، مصباح زاده، مکارم شیرازی، معزی، یاسری.
۲. ابو محمد مکی بن ابی طالب، *الكشف عن وجوه قرائات السبع و عللها و حججها*. چ دوم، تحقیق محیی الدین رمضان، بیروت: موسسه الرساله؛ ۱۴۰۱ ق، ۱۹۸۱ م.
۳. ابن الجزری، شمس الدین ابوالخیر محمد، *النشر فی القراءات العشر*. تحقیق: علی محمد الضباع - شیخ عموم المقاری: بالمدینار المصریه؛ بی تا.
۴. ابو زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، *حجج القرائات*. چ پنجم، تحقیق سعید الافغانی، بیروت: موسسه الرساله؛ ۱۳۹۴ق.
۵. اسفراینی، ابو المظفر شاهفور بن طاهر، *تاج التراجیم فی تفسیر القرآن للأعاجم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
۶. امین، نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان؛ ۱۳۶۱ش.
۷. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دارالفکر؛ ۱۴۲۰ق.
۸. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت؛ ۱۴۱۶ ق.
۹. الجواهری، محمد، *المفید من المعجم رجال الحدیث*. چ دوم، قم: محلاتی؛ ۱۴۲۴ق.
۱۰. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، *امام شناسی*. چ سوم، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی؛ ۱۴۲۶ ق.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، *تفسیر اثنا عشری*. تهران: میقات؛ ۱۳۶۳ش.
۱۲. حسینی همدانی، سید محمد حسین، *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی؛ ۱۴۰۴ ق.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، *خلاصه الاقوال*. قم: دار الذخائر؛ ۱۴۱۱ق.
۱۴. همو، *الالفین*. قم: الموسسه الاسلامیه؛ ۱۴۲۳ ق.
۱۵. خانی، رضا وحشمت الله ریاضی، *ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباد*. تهران: دانشگاه پیام نور؛ ۱۳۷۲ش.
۱۶. خسروانی، علیرضا، *تفسیر خسروی*. تهران: اسلامیه؛ ۱۳۹۰ق.
۱۷. خوبی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*. قم: مرکز نشر آثار شیعه؛ ۱۴۱۰ق.
۱۸. الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن سعید بن عمرو، *التبسیر فی القراءات السبع*. چ دوم، بیروت: دار النشر، دار الكتاب العربی؛ ۱۴۰۴ق.
۱۹. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقران*. تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۴۰۸ق.
۲۰. رشیدالدین میبدی احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*. چ پنجم، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۷۱ش.

۲۱. الشاطبی، القاسم بن فیره بن خلف، *حرز الأمانی ووجه التهانى فى القراءات السبع*. بیروت: دار الکتب النفیس؛ ۱۴۰۷ق.
۲۲. شبلی نعمانی، *تاریخ علم کلام*. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: اساطیر؛ ۱۳۸۶ش.
۲۳. شریف لاهیجی، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*. تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد؛ ۱۳۷۳ش.
۲۴. صدوق، ابوجعفر بن علی بن بابویه، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تهران: نشر جهان؛ ۱۳۷۸ ق.
۲۵. همو، *الاعتقادات*. چ دوم، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید؛ ۱۴۱۴ ق.
۲۶. صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، *تفسیر صفی*. تهران: منوچهری؛ ۱۳۷۸ش.
۲۷. طبرسی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ سوم، تهران: ناصر خسرو؛ ۱۳۷۲ش.
۲۸. همو، *جوامع الجامع*. تهران: دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۷ش.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء تراث العربی؛ ۱۴۰۹ق.
۳۰. طوسی، نصیر الدین، *تجرید الاعتقاد*. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۴۰۷ ق.
۳۱. طیب، سید عبد الحسین، *کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام*. چ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه اسلام؛ ۱۳۶۲ش.
۳۲. همو، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چ دوم، تهران: اسلام؛ ۱۳۷۸ش.
۳۳. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قران*. چ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۱ش.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*. تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب؛ ۱۳۶۷ش.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تحقیق: حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی: تهران؛ ۱۳۶۸ش.
۳۶. لاهیجی، فیاض، گوهر مراد. تهران: نشر سایه؛ ۱۳۸۳ش.
۳۷. مترجمان، ترجمه تفسیر طبری. چ دوم، تحقیق حبیب یغمایی، تهران: توس؛ ۱۳۵۶ش.
۳۸. همو، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: فراهانی؛ ۱۳۶۰ش.
۳۹. همو، ترجمه تفسیر جوامع الجامع. چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۷۷ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء؛ ۱۴۰۴ ق.
۴۱. محمدی، رضا، عصمت در قرآن. بینات، شماره ۴۱، صص ۱۶۷ - ۱۹۹؛ ۱۳۸۳ش.
۴۲. محمدی، علی، شرح کشف المراد. چاپ چهارم، قم: دار الفکر؛ ۱۳۷۸ش.
۴۳. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب؛ ۱۳۸۰ش.
۴۴. معرفت، هادی، تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه التمهید؛ ۱۳۸۰ش.
۴۵. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب اسلامیه؛ ۱۳۷۴ش.
۴۶. موسوی دارابی، سید علی، *نصوص فی علوم القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۲ش.
۴۷. موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین قم؛ ۱۳۷۴ش.

۴۸. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین؛ ۱۴۰۷ق.

۴۹. نجفی خمینی، محمد جواد، *تفسیر آسان*. تهران: انتشارات اسلامیه؛ ۱۳۹۸ق.

۵۰. نراقی، ملا مهدی، *انیس الموحدين*. تصحیح و تعلیق شهید آیت الله قاضی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء؛ ۱۳۶۹ش.

۵۱. نسفی، ابوحفص نجم السدین محمد، *تفسیر نسفی*. چاپ سوم، تحقیق عزیز الله جوینی، تهران: سروش؛ ۱۳۶۷ش.